

## ارزیابی اثر سیاست‌های تعرفه‌ای بر حجم قاچاق در ایران و ارائه راهکارهای مقابله با آن در راستای اقتصاد مقاومتی

سعید لاریجانی<sup>۱</sup>؛ سیدشمس‌الدین حسینی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۰

### چکیده

پدیده قاچاق را می‌توان از دو منظر «علل و انگیزه‌های وقوع» و «پیامدها» مورد بررسی قرار داد. در پژوهش حاضر به موضوع قاچاق از ابعاد علل، انگیزه‌ها و همچنین پیامدها پرداخته شده است. همچنین ضمن ارائه روشی کاربردی برای برآورد حجم قاچاق، اثر وضع تعرفه‌های وارداتی بر قاچاق کالا در اقتصاد ایران به روش برآورد رگرسیونی بر روی داده‌های مقطعی بررسی شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهند: اولاً در سال ۲۰۱۴ حدود ۱۹ میلیارد دلار کالا به صورت قاچاق به کشور وارد شده است و ثانیاً با افزایش یک واحد درصد در نرخ تعرفه واردات کالاها به کشور، حجم قاچاق به طور متوسط بین ۳ تا ۶ درصد افزایش می‌یابد که نشان‌دهنده ناقص بودن سیاست اعمال نرخ تعرفه برای مقابله با قاچاق است. در پایان با توجه به نتایج به دست آمده، راهکارهای مقابله با قاچاق در دو دسته راهکارهای مبتنی بر کاهش انگیزه‌های اقتصادی وقوع قاچاق و راهکارهای مبتنی بر کاهش عوامل تسهیل و تشدیدکننده ارائه شد.

**کلیدواژه‌ها:** قاچاق کالا، سیاست تجاری، نرخ تعرفه، اقتصاد مقاومتی، امنیت اقتصادی.

۱- کارشناسی‌ارشد علوم اقتصادی دانشگاه صنعتی شریف و نویسنده مسئول (رایانامه:

Larijani.saeed@gmail.com)

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

## مقدمه

قاچاق پدیده‌ای است که تقریباً همه کشورهای دنیا با آن روبرو هستند. اگرچه این پدیده در طول تاریخ همواره روی می‌داده‌است، اما مفهوم آن در قرون اخیر و پس از شکل‌گیری دولت مدرن و تعیین دقیق مرز بین کشورها دقیق‌تر شده‌است. مطالعات نشان می‌دهند که وسعت و عمق قاچاق در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته، به‌طور متوسط بیش از کشورهای توسعه‌یافته است، به‌طوری‌که در برخی از کشورهای در حال توسعه، قاچاق بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی جامعه را دربر می‌گیرد (حاجی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۱۵۶).

در ادبیات اقتصادی، می‌توان پدیده قاچاق را از دو منظر «علل و انگیزه‌های وقوع» و «پیامدها» مورد بررسی قرار داد. با این حال نمی‌توان این دو جنبه را به‌طور کامل مستقل از یکدیگر قلمداد کرد. البته هر دو رویکرد فوق به قاچاق را می‌توان در سایر حوزه‌ها از جمله حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و یا حتی امنیتی نیز داشت.

علت اصلی وقوع قاچاق را می‌توان «کسب سود بیشتر» توسط واردکنندگان دانست. دولت‌ها به دلایل متعدد اقدام به ایجاد گمرکات می‌کنند که هر کدام از این دلایل موجب ایجاد بار هزینه‌ای، اعم از مالی، تخصصی و زمانی برای بازرگانان می‌شود که به‌طور موردی به برخی از این دلایل اشاره می‌شود:

- وضع تعرفه بر واردات کالاها به‌منظور حمایت از تولیدات داخلی و کسب درآمد مالیاتی؛

- وضع محدودیت‌های مقداری به‌منظور حمایت از تولیدات داخلی؛

- کنترل کیفیت برخی اقلام وارداتی مانند دارو و مواد غذایی بر اساس استانداردهای موجود؛

- ممانعت از ورود برخی کالاها بنا به دلایل غیراقتصادی

- ممانعت از صادرات کالاهایی که در داخل کشور یارانه دریافت می‌کنند یا در داخل به آن‌ها نیاز وجود دارد مانند حامل‌های انرژی.

روشن است که عدم‌التزام واردکنندگان به محدودیت‌های فوق، می‌تواند هزینه‌های واردات را کاهش دهد و در نتیجه امکان کسب سود بیشتر برایشان فراهم شود. علاوه‌بر موارد فوق،

باید به پیچیدگی‌های نظام اداری گمرکات در کشورهای در حال توسعه نیز اشاره کرد که موجب اتلاف زمان بیشتر در فرایند واردات و در نتیجه تحمیل هزینه‌های راکد ماندن سرمایه می‌شود. بنابراین هرکدام از دلایل فوق، به‌تنهایی یا در کنار سایر عوامل می‌توانند انگیزه قاچاق را در واردکنندگان ایجاد کنند. با این حال در پژوهش حاضر، عامل «نپرداختن تعرفه واردات» به‌عنوان یکی از مؤثرترین انگیزه‌های اقتصادی وقوع قاچاق، مورد تأکید بیشتر قرار خواهد گرفت.

اگرچه بخش عمده قاچاق به دلایل اقتصادی رخ می‌دهد، اما این پدیده می‌تواند با انگیزه‌های دیگری نیز رخ دهد. از جمله مهم‌ترین انگیزه‌های غیراقتصادی قاچاق، تهدید امنیت کشور است. با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی و شرایط بی‌ثبات منطقه و برنامه‌ریزی بدخواهان کشور برای برهم زدن امنیت کشور، همواره این احتمال وجود دارد تا نیروهای متخاصم به شیوه‌های مختلف و پنهانی، اقدام به وارد کردن تسلیحات نظامی و نیروی انسانی به داخل کشور کنند.

از جمله دلایل دیگر قاچاق می‌توان به دلایل فرهنگی اشاره کرد. بسیاری از محصولات تولیدشده در خارج از کشور در تعارض با فرهنگ اسلامی - ایرانی کشور است، لذا واردکنندگان تلاش می‌کنند تا به دور از نظارت مسئولان دولتی، این محصولات را به داخل کشور وارد کنند و زمینه‌های اضمحلال فرهنگی را فراهم کنند.

روی دیگر پدیده قاچاق که حائز اهمیت بسیار زیادی است، پیامدهای آن است. لازم به ذکر است که اگرچه قاچاق عمدتاً با انگیزه‌های اقتصادی رخ می‌دهد، ولی در هر صورت، تبعات آن محدود به حوزه اقتصاد نیست و امنیت، امنیت اقتصادی، فرهنگ و سیاست کشور نیز از آن تأثیر می‌پذیرد.

اصلی‌ترین پیامد قاچاق، ناکارآمد ساختن سیاست‌های تجاری دولت‌ها است. از طرف دیگر، بدیهی است که یکی از اهداف دولت‌ها از وضع تعرفه، افزایش درآمدهای مالیاتی از محل واردات کالاها است که به دلیل قاچاق و فرار از پرداخت حقوق ورودی، از دست می‌رود، این پیامد را نمی‌توان صرفاً اقتصادی ارزیابی کرد؛ چراکه دولت‌ها به اقتضای شرایط ممکن است تصمیم بگیرند واردات و صادرات برخی کالاها را محدود سازند. برای

مثال در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ که کشور در معرض شدیدترین تحریم‌های اقتصادی و غیراقتصادی قرار گرفت، ضروری است به‌منظور کنترل منابع ارزی و ذخایر کالاهای اساسی کشور، واردات و صادرات کالاها به‌صورت کنترل‌شده انجام شود. در چنین شرایطی، باز بودن راه‌های قاچاق، این تصمیم دولت را با ناکامی مواجه می‌سازد.

ناتوانی دولت در اجرای سیاست‌های اقتصادی، به‌طور خاص سیاست‌های تجاری، موجب می‌شود بسیاری از شاخص‌های اقتصادی کلان از جمله رشد تولید ناخالص داخلی و بیکاری تحت تأثیر قرار گیرند. ضمن این‌که طبق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، رویکرد اقتصادی کشور بایستی درون‌زا و برون‌نگر باشد. به این معنا که ضمن گسترش ارتباط تجاری با سایر کشورها، تولید و مصرف در اقتصاد کشور بایستی با تکیه بر توان و ظرفیت‌های داخلی انجام شود. قاچاق کالا پدیده‌ای است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، دستیابی به این هدف را مخدوش می‌کند.

روی دیگر پیامدهای قاچاق را باید در اثرگذاری آن بر ارزیابی محققان اقتصادی، از سیاست‌های تجاری یا حمایتی دولت‌ها جست‌وجو کرد. مخدوش‌بودن و بی‌اعتباری آمار تجارت خارجی یک کشور اعم از واردات و صادرات، صحت تحلیل نظریه‌پردازان اقتصادی از تبعات سیاست‌ها و اقدامات دولت را با شبهه روبرو می‌کند.

پیامدهای رفاهی پدیده قاچاق، موضوع دیگری است که همواره مورد دغدغه‌ی پژوهشگران حوزه تجارت بین‌الملل بوده است. از آن‌جا که به‌نظر می‌رسد، سیاست‌های دولت در وضع تعرفه و یا ایجاد موانع غیرتعرفه‌ای موجب از دست‌رفتن بخشی از رفاه اجتماعی شود، این دیدگاه وجود دارد که قاچاق به دلیل از بین بردن اثر این سیاست‌ها، می‌تواند موجب افزایش رفاه نسبت به حالت پرداخت تعرفه واردات شود. البته دیدگاه‌های متعارض با این دیدگاه نیز وجود دارد. در این دیدگاه‌ها عنوان می‌شود که اگرچه قاچاق در کوتاه‌مدت ممکن است با ایجاد امکان مصرف کالاهای با کیفیت بالاتر خارجی و همچنین ایجاد مشاغل کاذب برای برخی نیروهای کار غیرماهر به ظاهر موجب افزایش رفاه شود، اما در بلندمدت با آسیب‌رساندن به توان تولید داخلی و کاهش سرمایه انسانی نیروی کار و در نتیجه از بین بردن ظرفیت‌های رشد و توسعه، موجبات کاهش رفاه اقتصادی را

فراهم خواهد آورد.

از آنجا که مقابله با هر پدیده در درجه اول نیازمند شناخت آن است، در پژوهش حاضر تمرکز بر اندازه‌گیری حجم قاچاق در اقتصاد کشور و شناسایی مهم‌ترین دلایل وقوع آن خواهد بود. بدین صورت که ضمن معرفی روشی کاربردی برای اندازه‌گیری قاچاق، میزان آن در اقتصاد ایران برای سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ برآورد می‌شود.

### **مبانی نظری و پیشینه‌شناسی پژوهش**

مطالعات اقتصادی در حوزه قاچاق را می‌توان در حوزه مطالعات اقتصاد غیررسمی، تجارت بین‌الملل و اقتصاد بخش عمومی دسته‌بندی کرد. این که یک مطالعه در این حوزه، به کدام یک از شاخه‌های مزبور نزدیک‌تر باشد، بستگی به این موضوع دارد که کدام جنبه از پدیده مورد بررسی قرار می‌گیرد. از آنجائیکه هدف پژوهش حاضر، بررسی پیامدهای رفاهی قاچاق باشد، مطالعه را می‌توان به حوزه ادبیات تجارت بین‌الملل نزدیک دانست. جنبه دیگر بررسی این پدیده، پیامدهای آن بر درآمدهای مالیاتی دولت است که چنین مطالعه‌ای به حوزه اقتصاد بخش عمومی و رابطه دولت و عوامل اقتصادی گرایش دارد. جنبه دیگر، آن‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، بررسی «علل و انگیزه‌های وقوع» قاچاق است. مطالعات مربوط به این جنبه را بیشتر می‌توان در حوزه اقتصاد غیررسمی جست و جو کرد.

### **قاچاق و واردات غیرقانونی**

پشتوانه نظری مطالعات انجام‌شده در خصوص وجود ارتباط مستقیم بین نرخ تعرفه واردات کالاها و حجم واردات غیررسمی و قاچاق این است که با افزایش نرخ تعرفه، اختلاف بین قیمت نهایی کالای وارداتی در دو حالت واردشده به‌طور قانونی (با پرداخت تعرفه) و واردشده به‌طور غیرقانونی افزایش می‌یابد، لذا عوامل اقتصادی این انگیزه را پیدا می‌کنند که با وجود ریسک شناسایی فعالیت غیرقانونی‌شان توسط دولت و سایر نهادهای نظارتی، به واردات غیررسمی مبادرت ورزند و کسب سود نمایند.

همان‌طور که گفته شد، قاچاق را می‌توان در اکثر موارد نوعی فرار مالیاتی قلمداد کرد و با توجه به این که مطالعات نظری زیادی بر روی رابطه نرخ‌های مالیاتی (نرخ تعرفه در

واردات) و فرار مالیاتی (قاچاق) انجام شده است، در این بخش به مدل‌های ارائه شده در این مطالعات نیز اشاره خواهد شد تا پوشش بهتری از مبانی رفتاری فرارکنندگان از پرداخت مالیات ارائه شود.

باگواتی<sup>۱</sup> شش حالت متفاوت قاچاق را در قالب شش مدل مورد بررسی قرار می‌دهد که چهار مورد مربوط به قاچاق از مبادی قانونی و دو مورد مربوط به قاچاق از مبادی غیرقانونی است. وی هدف از ارائه این مدل‌ها را کشف اختلافات قیمتی و مقداری رخ داده در هر کدام و بررسی آثار رفاهی آن‌ها عنوان می‌کند که در ادامه به‌طور خلاصه، مدل‌های مزبور معرفی می‌شوند.

در همه مدل‌های ذیل بخش قاچاق از مبادی قانونی، لازم است نوعی دروغ‌نمایی در فرایند واردات صورت‌پذیرد. باگواتی در ساخت و تحلیل مدل‌های مطالعه خود بین دروغ‌نمایی در «مقدار» و «ارزش واحد کالا (قیمت)» تفکیک قائل می‌شود.

وی اشاره می‌کند که تحلیل‌های ارائه شده در مطالعه صورت‌گرفته بر مبنای این واقعیت بنا شده‌اند که با وضع نرخ تعرفه بر واردات کالاها، عوامل اقتصادی انگیزه پیدا می‌کنند که واردات را به صورت غیرقانونی انجام دهند. البته وی ضمن ارجاع به مطالعات قبلی خود بیان می‌کند که این انگیزه همیشه غالب نیست. برای مثال در کشورهایی که نظام کنترل نرخ ارز و در نتیجه بازار سیاه ارزهای خارجی دارند، واردکنندگانی که در ازای واردات کالا از دولت ارز با نرخ رسمی دریافت می‌کنند، در صورتی که حاشیه سود استفاده از ارز رسمی به جای ارز بازار سیاه بیش از نرخ تعرفه واردات باشد، ترجیح می‌دهند ارزش واردات خود را «بیش» از مقدار واقعی گزارش کنند تا از ارز دریافتی اضافه با نرخ دولتی و فروش آن به صادرکنندگان با نرخ بازار سیاه منتفع شوند.

از شش مدل بررسی شده توسط باگواتی، مدل «دروغ‌نمایی در قیمت واحد کالا، بدون پرداخت رشوه به مأموران گمرک» تشریح می‌شود و نتایج سایر مدل‌ها در جداول (۱) و (۲) می‌آیند. در حالتی که واردکننده داخلی، بخواهد قیمت کالای وارد شده را کمتر از میزان واقعی آن گزارش کند و صادرکننده خارجی نیز بدون دریافت هزینه قیمت‌های مدنظر واردکننده را

گزارش کند، هزینه حقیقی اقتصادی به کشور واردکننده تحمیل نخواهد شد. در حالتی که صادرکننده این کار را در قبال دریافت حق‌العمل انجام دهد، این هزینه حقیقی غیرقابل چشم‌پوشی نخواهد بود. پرسشی که در بررسی این مدل‌ها به دنبال پاسخ آن هستیم این است که در هر کدام از آن‌ها چه اختلافات قیمتی و مقداری بروز می‌کند. در مدل اول قیمت داخلی کالا ( $p_d$ ) از جمع قیمت واقعی وارد شده کالا ( $p_c^t$ ) به اضافه حاصل ضرب نرخ تعرفه در قیمت اعلامی کالای وارد شده به دست می‌آید. در نتیجه نرخ تعرفه مؤثر از رابطه (۱) به دست می‌آید.

$$1 + t_s = \frac{p_d}{p_c^t} = \frac{p_c^t + t p_c}{p_c^t} = 1 + t \frac{p_c}{p_c^t} \Rightarrow t_s = t \frac{p_c}{p_c^t} \quad (1)$$

سایر نتایج در خصوص اختلافات قیمتی و مقداری در ادامه ذکر شده‌اند:

- با توجه به این‌که به دلیل کم‌نمایی در واردات، داریم  $p_c < p_c^t$ ، در نتیجه خواهیم داشت:  $p_d > p_c(1 + t)$ . این نامساوی به معنی وجود اختلاف قیمتی LVDP است.
- از طرفی با توجه به  $p_c < p_c^t$  و  $p_d = p_c^t + t p_c$  خواهیم داشت:  $p_c^t(1 + t) > p_d$  این نامساوی به معنی وجود اختلاف قیمتی TLVDP است.
- هم‌زمان به دلیل کم‌نمایی در قیمت کالا ( $p_f > p_c$ )، اختلاف قیمتی بین دو کشور PCC نیز وجود خواهد داشت.

- اختلاف مقداری بین دو کشور ( $PCC_q$ ) وجود ندارد. ( $q_f = q_c$ )

- اختلاف ارزش واردات در کشور مقصد و صادرات در کشور مبدأ ( $PCC_v$ ) وجود دارد. ( $p_f q_f > p_c q_c$ )

- هیچ اختلاف قیمتی LI نیز وجود ندارد.

باگواتی سپس اشاره می‌کند برای به دست آوردن میزان TLVDP نیاز است که ارزش واقعی کالای وارد شده (با در نظر گرفتن هزینه‌های واردات) تخمین زده شود. همچنین وی به مطالعه باگواتی (۱۹۶۴) و بسیاری از مطالعات دیگر اشاره می‌کند که در آن‌ها با استفاده از مقایسه داده‌های واردات و صادرات یک کشور با شرکای تجاری‌اش، اختلافات قیمتی  $PCC_p$  و  $PCC_v$  تخمین زده شده‌اند (باگواتی، ۱۹۶۴)؛ (باگواتی، ۱۹۶۷).

جدول ۱. اختلافات قیمتی و مقداری واقع شده در مدل‌های تجارت غیرقانونی از مبادی قانونی

اختلافات قیمتی و مقداری						هزینه مستقیم تجارت غیرقانونی برای کشور واردکننده	مدل
LIT	PCCv	PCCq	PCCp	TLVDP	LVDP		
خیر	بله $P_f q_f > P_c q_c$	خیر $q_f = q_c$	بله $P_f > P_c$	بله $p_c'(1+t) > p_d$	بله $p_c(1+t) < p_d$	قابل چشم‌پوشی (صادرکننده مبلغی برای همکاری در دروغ‌نمایی دریافت نمی‌کند)	(۱) دروغ‌نمایی در قیمت واحد کالا، بدون پرداخت رشوه به مأموران گمرک
خیر	بله $P_f q_f > P_c q_c$	خیر $q_f = q_c$	بله $P_f > P_c$	بله $p_c'(1+t) > p_d$	بله $p_c(1+t) < p_d$	غیرقابل چشم‌پوشی (صادرکننده در منفعت ناشی از دروغ‌نمایی شریک است)	(۲) دروغ‌نمایی در مقدار بدون پرداخت رشوه به مأموران گمرک
خیر	بله $P_f q_f > P_c q_c$	بله $q_f > q_c$	بله اگر $P_f$ شامل سهم صادرکننده از منفعت ناشی از دروغ‌نمایی نیز باشد $P_f > P_c$ در غیر این صورت خیر	بله $p_c'(1+t) > p_d$	بله $p_c(1+t) > p_d$	غیرقابل چشم‌پوشی (به دلیل احتمال کشف بالا، تنها حالت ممکن همین حالت است)	(۳) دروغ‌نمایی در قیمت واحد کالا همراه با پرداخت رشوه به مأموران گمرک
خیر	بله $P_f q_f > P_c q_c$	خیر $q_f = q_c$	بله $P_f > P_c$	بله $p_c'(1+t) > p_d$	بله $p_c(1+t) < p_d$	قابل چشم‌پوشی (به دلیل همکاری مأموران گمرک)	(۳) دروغ‌نمایی در قیمت واحد کالا همراه با پرداخت رشوه به مأموران گمرک



اختلافات قیمتی و مقداری						هزینه مستقیم تجارت غیرقانونی برای کشور واردکننده	مدل
LIT	PCC <sub>v</sub>	PCC <sub>q</sub>	PCC <sub>p</sub>	TLVDP	LVDP		
خیر	بله $P_f Q_f > P_c Q_c$	بله $Q_f > Q_c$	خیر $P_c = P_f$	بله $P_c^t(1+t) > P_d$ زیرا $P_c = P_c^t$	بله $P_c(1+t) > P_d$	قابل چشم‌پوشی (به دلیل همکاری مأموران گمرک)	(۴) دروغ‌نمایی در مقدار همراه با پرداخت رشوه به مأموران گمرک

منبع: باگواتی (۱۹۸۱)

جدول ۲. اختلافات قیمتی و مقداری واقع شده در مدل‌های تجارت غیرقانونی از مبادی قانونی

اختلافات قیمتی و مقداری						هزینه مستقیم تجارت غیرقانونی برای کشور واردکننده	مدل
LIT	PCC <sub>v</sub>	PCC <sub>q</sub>	PCC <sub>p</sub>	TLVDP	LVDP		
بله $P_{cl}^t < P_{ci}^t$	با فرض این‌که تجارت غیرقانونی در کشور صادرکننده ثبت شده باشد			خیر $P_{cl} = P_{cl}^t = P_d$ بنابراین اگر تجارت غیرقانونی وجود داشته باشد	خیر $P_{cl}(1+t) = P_d$	غیر قابل چشم‌پوشی	(۵) قاچاق کالاها و بدون مالیات توسط بنگاه‌هایی که تنها در تجارت غیرقانونی فعال هستند
	بله $P_f Q_f > P_{cl} Q_{cl}$	بله $Q_f > Q_{cl}$	خیر $P_f = P_{cl}$				
	با فرض این‌که تجارت غیرقانونی در کشور صادرکننده ثبت نشده باشد						
	خیر $= P_f Q_f = P_{cl} Q_{cl}$	خیر $Q_{cl} = Q_f$	خیر $P_f = P_{cl}$				
بله $P_{cl}^t < P_{ci}^t$	با فرض این‌که تجارت غیرقانونی در کشور صادرکننده ثبت شده باشد			بله $P_{cl}^t = P_{cl}$	بله $P_{cl}(1+t) < P_d$	غیر قابل چشم‌پوشی	(۶) قاچاق کالاها و بدون مالیات توسط بنگاه‌هایی که هم در تجارت قانونی و هم در تجارت
	بله $P_f Q_f > P_{cl} Q_{cl}$	بله $Q_f > Q_{cl}$	خیر $P_f = P_{cl}$				
	با فرض این‌که تجارت غیرقانونی در کشور صادرکننده ثبت نشده باشد						

اختلافات قیمتی و مقداری					هزینه مستقیم تجارت غیرقانونی برای کشور واردکننده	مدل
LIT	PCC <sub>v</sub>	PCC <sub>q</sub>	PCC <sub>p</sub>	TLVDP		
	خیر $=P_f Q_f$ $P_{cl} Q_{cl}$	خیر $Q_{cl} = Q_f$	خیر $P_f =$ $P_{cl}$			غیرقانونی فعال هستند.

منبع: باگواتی (۱۹۸۱)

### پیشینه‌شناسی پژوهش

یکی از دقیق‌ترین مطالعات تجربی در خصوص ارتباط بین نرخ تعرفه واردات و قاچاق، توسط فیسمن و وی (۲۰۰۴)<sup>۱</sup> انجام شد که مبنای مطالعات تجربی بسیاری پس از آن قرار گرفت. این مطالعه به بررسی رابطه بین نرخ تعرفه واردات کالاها در چین و قاچاق کالا از هنگ‌کنگ به این کشور در سال ۱۹۹۸ می‌پردازد. فیسمن و وی نشان می‌دهند که با افزایش یک واحد درصد در میانگین نرخ تعرفه واردات کالا در چین، حجم واردات غیرقانونی به چین از مقصد هنگ‌کنگ به میزان ۳ درصد افزایش می‌یابد.

آن‌ها خود ادعا می‌کنند که این مطالعه در حقیقت تکمیل شده و ترکیبی از دو مطالعه باگواتی (۱۹۶۴) و پریچت و ستی (۱۹۹۴) است. مطالعه پریچت و ستی که با هدف بررسی ارتباط بین درآمدهای مالیات بر واردات دولت و نرخ‌های تعرفه نگاشته شده است، نشان می‌دهد که برای سه کشور در حال توسعه جامائیکا، کنیا و پاکستان، این درآمدها با نرخ کمیتر از افزایش نرخ تعرفه واردات افزایش می‌یابند و این تفاوت را به فرار مالیاتی نسبت می‌دهند. البته یک تفاوت عمده بین این دو مطالعه وجود دارد. پریچت و ستی در مطالعه خود با استفاده از مقایسه «درآمدهای مالیات بر واردات دولت» و «ارزش واردات ثبت شده در گمرکات» برای هر گروه کالایی، یک «نرخ تعرفه واقعی» به دست آوردند (نسبت بین دو مقدار فوق) و این نرخ را با نرخ قانونی تعرفه همان گروه کالایی مقایسه کردند. تفاوت در این است که این روش اولاً تفاوت بین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی<sup>۲</sup> را

1- Fisman and Wei

2- Tax avoidance

مشخص نمی‌کند و ثانیاً به دلیل استفاده صرف از داده‌های گمرک کشور واردکننده، از بین روش‌های کم‌نمایی واردات، فقط می‌تواند «تغییر عنوان کالا»<sup>۱</sup> را نشان دهد.

از طرفی این مطالعه به درستی نسخه تکامل‌یافته مطالعه باگواتی (۱۹۶۴) و بر مبنای همان روش پیشنهادی اوست. با این تفاوت مهم که فیسمن و وی، برخلاف باگواتی، به تفسیر شهودی ارتباط بین نرخ‌های تعرفه واردات و شکاف تجاری بین ارقام صادرات و واردات کالاها بسنده نمی‌کنند و با استفاده از یک مدل رگرسیونی، تخمینی دقیق از این ارتباط ارائه می‌کنند. به بیان دقیق‌تر، آن‌ها رابطه رگرسیونی زیر را تخمین می‌زنند:

$$gap\_value = \log(\text{export}_k) - \log(\text{import}_k) = \alpha + \beta \text{tax}_k + \varepsilon_k \quad (2)$$

که در آن متغیر  $\log(\text{export}_k)$  لگاریتم ارزش کل صادرات کالای  $k$  از هنگ‌کنگ به چین، متغیر  $\log(\text{import}_k)$  لگاریتم ارزش کل واردات کالای  $k$  به چین از هنگ‌کنگ و متغیر  $\text{tax}_k$  نشان‌دهنده نرخ تعرفه واردات کالای  $k$  به کشور چین است. بدین‌تربیب  $gap\_value$  بیان‌گر شکاف تجاری بین دو کشور چین و هنگ‌کنگ و به‌عنوان متغیر وابسته و  $\beta$  ضریب رگرسیونی متغیر مستقل (نرخ تعرفه واردات) و نشان‌دهنده میزان همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته است.

به‌علاوه، این مطالعه دو مزیت عمده نسبت به مطالعه باگواتی دارد. مزیت اول در این است که مطالعه برای تعداد بسیار زیادی از گروه‌های کالایی انجام شده‌است. به‌عبارت بهتر تمامی کالاهای دارای کد شش‌رقمی در سیستم هماهنگ HS که از هنگ‌کنگ به چین صادر شده‌اند<sup>۲</sup>، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

مزیت دیگر و مهم‌تر این مطالعه که پیش‌تر در مطالعه دیگری آن را سراغ نداریم این است که بین سه روش متفاوت از کم‌نمایی در واردات تفکیک قائل می‌شود و تلاش می‌کند نشان دهد که سهم کدام یک از این روش‌ها در ایجاد شکاف تجاری بیشتر است. این روش‌ها عبارت از «کم‌نمایی ارزش واحد کالای وارداتی»، «کم‌نمایی در مقادیر کالای

1- mislabeling

۲- تعداد این کالاها در ابتدا ۵۱۱۳ کد تعرفه‌ای بوده‌است که پس از کنار گذاشتن داده‌های ناسازگار، این تعداد به ۲۰۴۳ رسیده‌است.

وارداتی» و «تغییر عنوان کالای با نرخ تعرفه واردات بالا با کالای با نرخ تعرفه واردات پایین» هستند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهند روش تغییر عنوان کالا نقش بسیار زیاد و روش کم‌نمایی در ارزش واحد کالاها نقش بسیار کمی در بروز شکاف تجاری دارد.

مطالعات متعددی به پدیده قاچاق در ایران و بررسی علل و عوامل آن پرداخته‌اند. عمده مطالعات تجربی انجام شده، سعی داشته‌اند تا با استفاده از داده‌های کلان اقتصادی، حجم قاچاق در کشور را تخمین بزنند و در این مسیر از مدل‌های متعددی استفاده کرده‌اند. این مدل‌های کلان، اگرچه ممکن است دیدی کلی نسبت به حجم قاچاق کالاها به کشور بدهند، اما نمی‌توان از آن‌ها برای تخمین رابطه‌ای دقیق بین قاچاق و عوامل مؤثر بر آن، به‌خصوص نرخ تعرفه واردات، استفاده کرد.

اولین مطالعه را یآوری (۱۳۷۸) انجام داده‌است. وی در این مطالعه از باگواتی (۱۹۶۴) الگو گرفته‌است. نکته‌ای که باعث اهمیت کار یآوری می‌شود این است که وی به وجود بازار ارز دو نرخ در ایران طی اکثر سال‌های مورد مطالعه توجه می‌کند و ضمن بررسی موضوع با رویکرد نظری، توضیح می‌دهد که چگونه بازار سیاه ارزهای خارجی، انگیزه بیش‌نمایی را در واردکنندگان ایجاد می‌کند. یآوری در مطالعه خود تلاش کرده‌است با استفاده از اختلاف در داده‌های واردات ایران با داده‌های صادرات شرکای تجاری‌اش طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۶، میزان قاچاق و یا بیش‌نمایی واردات در اقتصاد ایران را برای این سال‌ها تخمین بزند. البته داده‌های مورد استفاده در این مقاله در سطح کلان بوده‌است و کالاها در هیچ زیربخشی دسته‌بندی نشده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در اکثر سال‌های مورد بررسی، بیش‌نمایی واردات رخ داده‌است و در سال‌های ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۹، ۱۳۶۲، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷ و ۱۳۷۶، کم‌نمایی در واردات یا قاچاق رخ داده‌است. این مطالعه اگرچه تخمین میزان قاچاق به روش شکاف تجاری را برای اولین بار برای اقتصاد ایران به کار گرفت، اما به دلیل در نظر نگرفتن گروه‌های کالایی مختلف، عملاً نمی‌توانسته است قاچاق را از گران‌نمایی تفکیک کند و تنها براینده تفاوت‌های تجاری در سطح داده‌های کلان را مشاهده کرده‌است و بر مبنای آن نظر داده‌است.

پژویان و مداح (۱۳۸۵) در بخش تجربی مطالعه خود تلاش می‌کنند با استفاده از روش

«چند متغیر چند عامل»<sup>۱</sup> اندازه قاچاق کالا و سهم هر یک از عوامل مؤثر بر میزان آن را طی سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۸۱ برای اقتصاد ایران تخمین بزنند. نتایج نشان می‌دهند که نرخ تعرفه واردات و میزان جریمه واردکنندگان متخلف، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر اندازه قاچاق هستند. این دو متغیر در مجموع حدود ۷۸ درصد از تغییرات اندازه قاچاق طی دوره مورد بررسی را توضیح می‌دهند و سهم متغیر نسبت نرخ ارز رسمی به نرخ ارز بازار سیاه، ۲۲ درصد است.

فرزانگان (۲۰۰۹)<sup>۲</sup> با استفاده از مطالعه پژوهی و مداح، ضمن برآورد اندازه قاچاق طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۲، به بررسی دلایل و آثار قاچاق صادرات و واردات ایران پرداخته است. وی در این مقاله از مدل «چند متغیر، چند عامل» برای محاسبه متغیرهای پنهان قاچاق استفاده کرده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهند که جریمه تجارت غیرقانونی و کیفیت نهادهای اقتصادی و سیاسی، حجم قاچاق را کاهش می‌دهند، درحالی‌که تعرفه‌های واردات و بازار سیاه ارزشهای خارجی، انگیزه تجارت غیررسمی را افزایش می‌دهند. به عبارت دیگر نتایج مطالعه پژوهی و مداح در این مطالعه نیز تأیید می‌شوند.

مداح و نعمت‌اللّهی (۱۳۹۲) اولین محققانی بودند که تلاش کردند ایده باگواتی مبنی بر تخمین قاچاق از روی اختلاف تجاری را به شیوه فیسمن و وی (۲۰۰۴)، یعنی در سطح کدهای تعرفه‌ای شش رقمی HS، برای اقتصاد ایران تخمین بزنند. مطالعه حاضر، از بسیاری جهات شبیه مطالعه مداح و نعمت‌اللّهی است، با این حال در این مطالعه تلاش شده است ضمن اشاره به کاستی‌های مطالعه آنان، تخمین دقیق‌تر و البته مستحکم‌تری از رابطه علی بین نرخ تعرفه واردات و میزان کم‌نمایی در واردات یا قاچاق، به دست‌آید.

نتایج این مطالعه که برای داده‌های واردات ایران و ۱۲ شریک عمده تجاری‌اش طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ انجام شده است، نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری بین شکاف تجاری یا قاچاق و نرخ تعرفه واردات وجود دارد، به نحوی که با افزایش ۱ درصدی نرخ تعرفه واردات، این شکاف به طور متوسط ۰٫۶۷ درصد افزایش می‌یابد. همچنین نتایج

نشان می‌دهند که کشش فرار مالیاتی نسبت به نرخ تعرفه واردات، برای کالاهایی که دارای نرخ تعرفه بالاتر از میانگین هستند، بیشتر و برابر با ۰٫۸ درصد است. به علاوه اثر مثبت نرخ تعرفه بر قاچاق کالاهای دارای نرخ تعرفه کمتر از میانگین، تأیید نمی‌شود.

### روش‌شناسی پژوهش

در این مطالعه متغیر وابسته اختلاف لگاریتم صادرات گزارش شده به ایران توسط شریک تجاری با لگاریتم واردات گزارش شده در ایران برای هر کد کالایی شش رقمی است. متغیر مستقل اصلی نیز نرخ تعرفه واردات کالا است. بنابراین مدل پایه مطالعه به صورت رابطه (۳) نگاشته می‌شود:

$$gap\_val_{ij} = \log(export_{ij}) - \log(import_{ij}) = \alpha + \beta tax_i + \varepsilon_{ij} \quad (3)$$

در این رابطه،  $export_i$  صادرات گزارش شده کالای  $i$  از سوی کشور  $j$  به ایران،  $import_i$  واردات گزارش شده کالای  $i$  از کشور  $j$  به ایران،  $gap\_val_{ij}$  شکاف تجاری در ارزش کالای  $i$  بین ایران و کشور  $j$ ،  $tax_i$  نرخ تعرفه واردات کالای  $i$  در ایران و  $\varepsilon_{ij}$  جزء اخلاص با میانگین صفر است.

پیش‌بینی این است که با افزایش نرخ تعرفه واردات یک کالا، شکاف تجاری یا همان قاچاق کالا، افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، در رابطه (۴)، ضریب  $\beta$  مثبت و از نظر آماری معنادار است. برآورد پارامترهای مدل (۴) با استفاده از داده‌های کل ردیف‌های کالایی در سال ۲۰۱۴، نتایج پایه مطالعه خواهند بود. در این برآورد، متغیرهای مجازی صنعت ( $D_{Hs4,i}$ ) و کشور ( $D_{Country,i}$ ) نیز به مدل اضافه می‌شوند.

$$gap\_val_{ij} = \alpha + \beta tax_i + D_{Hs4,i} + D_{Country,i} + \varepsilon_{ij} \quad (4)$$

همچنین به منظور در نظر گرفتن اثرات ثابت و مؤثر بر شکاف تجاری گروه‌های کالایی و کشور صادرکننده، این دو متغیر به صورت جزء اثر ثابت (یا متغیر مجازی) وارد مدل می‌شوند و اثر آن بر ضرایب رگرسیون بررسی می‌شود.

در نتایجی که از برآورد مدل (۴) به دست می‌آید، این نگرانی وجود دارد که ممکن است برخی ویژگی‌های غیرقابل مشاهده کالاها وجود داشته باشد که بر حجم قاچاق آن‌ها مؤثر

باشد و در مدل وارد نشده باشد و در نتیجه آن عوامل توضیح‌دهنده نتایج به دست آمده باشند. برخی کالاها دارای ویژگی‌هایی هستند که قاچاق آن‌ها را ساده‌تر می‌کند. برای مثال امکان اظهار خلاف واقع در خصوص قیمت جواهرآلات بسیار آسان‌تر از کالایی مانند گندم است. به منظور بررسی این موضوع، مدل رگرسیونی برای داده‌های دو سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴ با استفاده از روش تفاضل مرتبه اول برآورد می‌شود. با توجه به تغییرات قابل توجه نرخ‌های تعرفه بین دو سال فوق، می‌توان انتظار داشت که اثرات عوامل مرتبط با ویژگی‌های کالاها بر قاچاق از نتایج به دست آمده از این برآوردها بیرون کشیده شده باشد. برای برآورد تفاضل مرتبه اول، مدل رابطه (۵) برآورد می‌شود.

$$Dgap\_val_{ij} = \alpha + \beta \times Dtax_i + D_{HS4,i} + D_{Country,i} + \varepsilon_{ij} \quad (5)$$

در این رابطه، پیش‌وند  $D$  به معنی تغییر در نرخ تعرفه یک کالا از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ است. چنانچه  $\beta$  در برآورد مدل فوق مثبت و از نظر آماری معنادار باشد، فرضیه همبستگی مثبت بین نرخ تعرفه و شکاف تجاری، در داده‌های سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴ نیز تأیید می‌شود.

در بخش‌های قبل گفته شد که قاچاق می‌تواند به یکی از چهار شیوه «واردات از مبادی غیرقانونی»، «کم‌نمایی در قیمت»، «کم‌نمایی در مقدار» و یا «تغییر عنوان کالا به کالاهای با نرخ تعرفه پایین‌تر» رخ دهد. اگرچه با توجه به داده‌های موجود، امکان تشخیص این‌که قاچاق دقیقاً به کدام یک از شیوه‌های فوق رخ می‌دهد، وجود ندارد، با این حال می‌توان وقوع قاچاق از روش‌های مزبور را بررسی کرد. برای این منظور، متوسط وزنی نرخ تعرفه کالاهای مشابه هر ردیف کالایی، به عنوان یک متغیر مستقل به مدل اضافه می‌شوند. کالای مشابه، کالایی تعریف می‌شود که چهار رقم ابتدای کد HS آن با کالای مورد نظر مشابه باشد. وزن هر کالا در محاسبه میانگین نرخ تعرفه ارزش صادرات آن کالا از کشورهای دیگر به ایران تعیین می‌شود. بدین ترتیب، مدل رابطه (۶) برآورد می‌شود:

$$gap\_val_{ij} = \alpha + \beta_1 tax_i + \beta_2 average(tax_{s_i}) + \varepsilon_{ij} \quad (6)$$

که در آن  $average(tax_{s_i})$  متوسط نرخ تعرفه کالاهایی است که چهار رقم اول کد اچ‌اس مشابه کالای  $i$  دارد. در برآورد مدل فوق، چنانچه تغییر عنوان به کالاهای مشابه با

نرخ تعرفه پایین تر رخ داده باشد، انتظار داریم ضریب  $\beta_7$  منفی باشد. به این معنا که با فرض ثابت بودن نرخ تعرفه یک کالا، هر چه متوسط نرخ تعرفه کالاهای مشابه آن کمتر باشد، به طور متوسط قاچاق آن کالا افزایش یابد و از این طریق انگیزه برای معرفی آن به عنوان کالایی با نرخ تعرفه کمتر افزایش می‌یابد. همچنین به منظور در نظر گرفتن اثرات ثابت کالاها بر رابطه بین نرخ تعرفه و شکاف تجاری، رابطه (۷) به روش تفاضل مرتبه اول برآورد می‌شود:

$$Dgap\_val_{ij} = \alpha + \beta_1 \times Dtax_i + \beta_7 \times Daverage(tax_{s_i}) + \varepsilon_{ij} \quad (7)$$

### تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

در مطالعه حاضر از داده‌های نرخ تعرفه واردات و همچنین آمار تجارت ایران در سطح داده‌های شش رقمی «نظام هماهنگ توصیف و کدگذاری کالاها و خدمات (HS6)»، در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴ میلادی<sup>۱</sup>، استفاده شده است. در انتخاب سال ۲۰۱۴ به‌عنوان سال اصلی مطالعه دو عامل «اولویت سال‌های نزدیک‌تر به سال جاری» و «محدودیت وجود داده‌ها» نقش داشته است. علی‌رغم وجود داده‌های صادرات سایر کشورها به ایران تا سال ۲۰۱۵، داده‌های واردات ایران از سایر کشورها حداکثر تا سال ۲۰۱۴ موجود بوده است. به‌منظور ارزیابی اثر نرخ تعرفه واردات بر قاچاق هر کالا در طول زمان، مدل رگرسیونی تابلویی برای دو سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴ تخمین زده شده است.

### نرخ تعرفه

جدول شماره (۳)، خلاصه آماری داده‌های نرخ تعرفه واردات ایران را در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴ نشان می‌دهد. طبق آمار موجود، تعداد ردیف‌های کالایی که برای آن‌ها نرخ تعرفه وضع شده است، به میزان ۶۸ ردیف، افزایش یافته است که می‌تواند به دلیل تغییر نسخه HS یا اضافه شدن ردیف‌های کالایی جدید باشد. تعداد نرخ‌های تعرفه نیز طی این دو

۱- به دلیل نیاز به استفاده از داده‌های صادرات سایر کشورها به ایران بر مبنای اظهار آن‌ها و در اختیار نداشتن این داده‌ها بر حسب سال‌های شمسی، مطالعه بر مبنای سال‌های میلادی صورت گرفته است. در مواردی که نیاز به تطبیق اطلاعات سال‌های شمسی با سال‌های میلادی بوده است، سال ۱۳۹۳ معادل سال ۲۰۱۴ در نظر گرفته شده است و از اختلاف بین آن‌ها چشم‌پوشی شده است.



سال به میزان ۴۴ مورد افزایش یافته است که نشان‌دهنده افزایش تنوع وضع نرخ‌های تعرفه واردات است. در سال ۲۰۱۴ میانگین نرخ تعرفه واردات ۳۳/۰۴ درصد است که در مقایسه با میانگین جهانی نرخ تعرفه (۶/۴ درصد)<sup>۱</sup>، عدد بسیار بزرگی به‌شمار می‌آید. در عین حال ملاحظه می‌شود که علی‌رغم کاهش در نرخ‌های تعرفه در سال ۱۳۹۱ (پس از وقوع شوک‌های ارزی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱)، میانگین نرخ تعرفه در سال ۲۰۱۴ بیشتر از میانگین آن در سال ۲۰۱۱ است. این موضوع می‌تواند به دو دلیل باشد: علت اول این‌که نرخ مالیات بر ارزش افزوده در سال ۲۰۱۴، چهار واحد درصد بیش از سال ۲۰۱۱ بوده است. علت دیگر می‌تواند این باشد که سود بازرگانی کالاهای اولویت ۱۰، در این سال با ۱۰۰ درصد افزایش، اعمال شده است. همچنین مشاهده می‌شود که میانگین وزنی نرخ تعرفه در هر دو سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴، به میزان قابل توجهی کمتر از میانگین ساده نرخ‌های تعرفه است. به‌علاوه این اختلاف در سال ۲۰۱۴ به مراتب شدیدتر است و موجب کمتر شدن میانگین نرخ تعرفه مؤثر سال ۲۰۱۴ نسبت به سال ۲۰۱۱ شده است. طبق این مشاهده، علی‌رغم افزایش متوسط نرخ تعرفه در سال ۲۰۱۴، الگوی واردات در این سال نسبت به سال ۲۰۱۱، به نفع کالاهای با نرخ تعرفه کمتر تغییر کرده است. نکته قابل توجه دیگر این است که میانه نرخ تعرفه در سال ۲۰۱۴ به میزان ۲/۹۶ واحد درصد کمتر از سال ۲۰۱۴ است. تفاوت انحراف معیار نرخ‌های تعرفه نیز در دو سال مطالعه قابل توجه است. افزایش انحراف معیار در سال ۲۰۱۴ را می‌توان به دو عامل نسبت داد. اول این‌که متغیر تعداد نرخ‌های تعرفه، در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است که می‌تواند موجب افزایش نوسانات نرخ‌های تعرفه و در نتیجه افزایش انحراف معیار شود. عامل دیگر می‌تواند این باشد که به دلیل «نحوه اعمال مالیات بر ارزش افزوده» و «افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده از ۴ درصد به ۸ درصد»، وضع این مالیات در سال ۲۰۱۴، شکاف بین داده‌ها را افزایش داده است و در نتیجه موجب افزایش انحراف معیار شده است.

جدول ۳. خلاصه آماری داده‌های نرخ تعرفه واردات ایران در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴<sup>۱</sup>

سال	تعداد کالاها (HS6)	تعداد نرخ‌های تعرفه	میانگین میانگین وزنی	انحراف معیار	میان	کمترین	بیشترین
۲۰۱۱	۵۲۲۳	۲۳۲	۳۱/۱۹	۲۲/۲۷	۲۸/۹۸	۴	۲۱۲
۲۰۱۴	۵۲۹۱	۲۷۶	۳۳/۰۴	۱۷/۶۴	۳۶/۳۸	۴	۲۱۹/۶۸
تغییر از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴	۶۸	۴۴	۱/۸۵	۴/۶۳	۷/۴	۰	-۷/۶۸

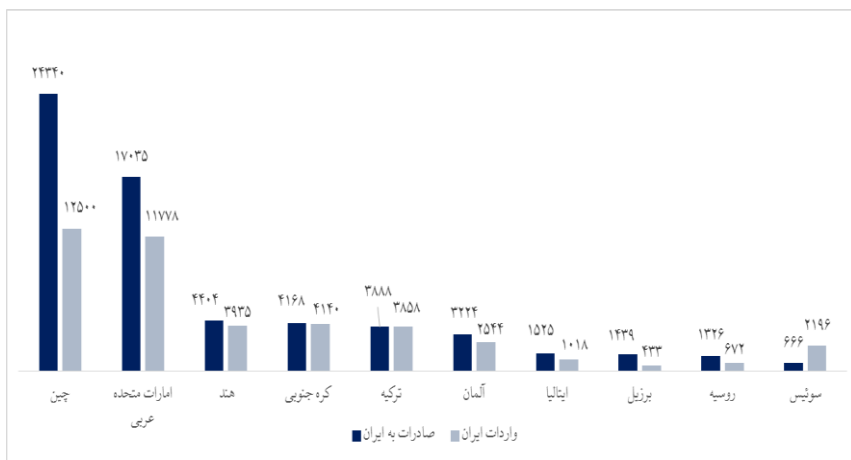
### داده‌های صادرات و واردات

طبق آمار وبسایت تریدمپ، در سال ۲۰۱۴ مجموع صادرات گزارش شده سایر کشورهای دنیا به ایران، ۷۲/۲۷۰ میلیون دلار و مجموع واردات گزارش شده ایران از سایر کشورها ۵۳/۶۴۹ میلیون دلار بوده است. صادرات به ایران در ۴۷۶۲ ردیف کالایی در سطح HS6 صورت گرفته است. از این میان در ۳۱۲۷ ردیف کالایی، شکاف تجاری مثبت (قاچاق) و در ۱۶۳۵ ردیف کالایی، شکاف تجاری منفی مشاهده می‌شود.

شکل شماره (۱)، صادرات ۱۰ کشور اول صادرکننده به ایران و واردت ایران از این کشورها را نشان می‌دهد. این کشورها در سال ۲۰۱۴ مجموعاً حدود ۶۲ میلیارد دلار صادرات به ایران گزارش کرده‌اند که معادل ۸۵ درصد کل صادرات گزارش شده به ایران در این سال می‌شود. سه کشور چین، امارات متحده عربی و هند، بیش از ۶۳ درصد کل صادرات به ایران را گزارش کرده‌اند. همان‌طور که در شکل (۱) ملاحظه می‌شود، ارزش

۱- توضیحات: داده‌های نرخ تعرفه شامل سود بازرگانی، حقوق گمرکی و مالیات بر ارزش افزوده است. میانگین نرخ تعرفه بر روی کلیه داده‌های نرخ تعرفه و بدون در نظر گرفتن واردات صورت گرفته است. میانگین وزنی داده‌های نرخ تعرفه بر اساس نسبت ارزش واردات هر کالا به کل واردات در هر سال محاسبه شده است. به دلیل ناسازگاری موجود در داده‌های واردات از کل کشورها به ایران، از داده‌های تجاری شرکای عمده تجاری اشاره شده در مطالعه استفاده شده است. این شرکای تجاری در سال ۲۰۱۱ شامل نه کشور و در سال ۲۰۱۴ شامل ۱۰ کشور است.

واردات ایران در تجارت با نه کشور، کمتر از صادراتی است که آن کشورها به ایران گزارش کرده‌اند. این وضعیت تنها در مورد تجارت ایران با سوئیس برقرار نیست.



شکل ۱. صادرات ۱۰ کشور اول صادرکننده به ایران و واردات ایران از آن کشورها در سال ۲۰۱۴ (میلیون دلار)

جدول شماره (۴)، ۱۰ کالایی را نشان می‌دهد که بیشترین اختلاف بین صادرات و واردات گزارش شده را دارند. همان‌طور که در این جدول ملاحظه می‌شود، بیشترین شکاف تجاری مربوط به کالای «زیورآلات یا جواهرآلات» است که اختلاف نسبتاً زیادی نیز نسبت به کالاهای دیگر دارد. شکاف تجاری زیاد کالای «گندم» با نرخ تعرفه حداقل مطابق انتظار نیست که البته بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که احتمالاً این شکاف به علت ثبت نادرست کالا در اسناد تجاری رخ داده است.<sup>۱</sup> شکاف تجاری مربوط به واردات سیگار نیز احتمالاً دلیلی غیر از نپرداختن حقوق ورودی دارد (اگرچه از این نظر نیز برای واردکنندگان سود ایجاد می‌کند).<sup>۲</sup> نکته جالب توجه این است که شکاف تجاری این کالاها بیش از ۴۵ درصد کل شکاف تجاری ایران و ۱۰ کشور اول صادرکننده را به خود اختصاص می‌دهد.

۱- در کد کالایی «۱۰۰۱۱۹» که مربوط به نوع دیگری از گندم است، ۱۳۲۷۰۳ میلیون دلار شکاف تجاری منفی وجود دارد. نرخ تعرفه واردات این کد نیز چهار درصد است.

۲- واردات سیگار در برخی برندها همچون وینستون و کنت مجاز است و سایر برندها عمدتاً به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند.

جدول ۴. کالاهای (HS6) با بیشترین اختلاف بین صادرات و واردات گزارش شده در سال ۲۰۱۴<sup>۱</sup>

کد کالا (HS6)	عنوان کالا	صادرات (میلیون دلار)	واردات (میلیون دلار)	شکاف (میلیون دلار)	نرخ تعرفه (درصد)
۷۱۱۳۱۹	زبورآلات یا جواهر آلات و اجزاء آنها، از فلزات گرانبها یا از فلزات دارای روکش یا پوشش از فلزات گرانبها	۳۰۶۷۰۸	۰	۳۰۶۷۰۸	۲۵،۲۸
۱۰۰۱۹۹	گندم و مخلوط گندم و چاودار «Meslin»	۱۰۸۶۰۷	۷۰۷	۱۰۷۹۰۰	۴
۸۷۰۳۲۳	اتومبیل سواری با حجم موتور بین ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سی سی	۲۶۲۴۰۲	۱۹۱۵۰۴	۷۰۸۰۸	۳۹،۰۲
۲۴۰۲۲۰	سیگار حاوی توتون	۷۷۷۰۴	۱۱۴۰۹	۶۶۲۰۵	۱۲،۳۲
۸۵۲۸۷۲	مانیتورها و پروژکتورها، یکپارچه نشده با دستگاه گیرنده تلویزیونی	۶۶۳۰۰	۲۰۹	۶۶۰۹۱	۵۵،۰۲
۸۴۷۱۳۰	لپ تاپ و رایانه شخصی به صورت کامل	۹۰۲۰۱	۲۶۳۰۳	۶۳۸۰۸	۲۳،۱۲
۵۴۰۷۵۲	پارچه‌های تار و پود باف از نخ رشته‌های سنتتیک	۵۹۸۰۱	۸۴۰۵	۵۱۳۰۶	۴۲،۵۶
۸۷۰۳۲۲	اتومبیل سواری با حجم موتور بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ سی سی	۴۹۷۰۷	۷۱۰۷	۴۲۶۰۰	۳۹،۳۲
۹۴۰۵۱۰	لوستر (Luster) و سایر وسایل روشنایی برقی برای آویختن یا نصب کردن به سقف یا دیوار	۳۹۱۰۹	۳۰۵	۳۸۸۰۴	۹۱،۱۶
۸۷۰۸۹۹	اجزاء و قطعات و متفرعات و وسایل نقلیه موتوری	۳۶۰۰۷	۲۱۰۹	۳۳۸۰۸	۱۴،۴۸
جمع (میانگین)	-	۱۰۲۶۸	۱۷۸۴۰۲	۸۴۸۳۰۸	۳۴،۰۷

### برآورد کسش قاچاق نسبت به نرخ تعرفه

به دلیل اهمیت تعرفه‌های وارداتی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل ایجادکننده انگیزه برای قاچاق کالا به داخل کشور، در این بخش کسش قاچاق نسبت به نرخ تعرفه برای اقتصاد ایران برآورد می‌شود.

۱- توضیحات: نتایج بر اساس داده‌های تجارت ایران و ۱۰ صادرکننده اول به آن در سال ۲۰۱۴ گزارش شده‌اند. کالاها از بالا به پایین بر اساس کاهش شکاف مرتب شده‌اند. ارقام واردات با احتساب هزینه‌های بیمه و حمل و نقل (cif) ولی ارقام صادرات بر اساس ارزش اعلام شده در مرز کشور صادرکننده (fob) محاسبه شده‌اند.

جدول شماره (۵) نتایج برآورد مدل‌های پایه مطالعه را نشان می‌دهد. طبق ستون (۱) این جدول، با افزایش یک واحد درصد نرخ تعرفه واردات، شکاف تجاری به میزان  $6/18$  درصد افزایش می‌یابد. ضریب رگرسیون از نظر آماری در سطح یک درصد معنادار است. نتایج همچنین نشان می‌دهند که متغیر مستقل نرخ تعرفه، درصد کمی ( $10/2$  درصد) از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. با توجه به این که این احتمال وجود دارد که مشاهدات مربوط به کالاهای مشابه (کالاهای با ۴ رقم اول مشابه کد HS) مستقل از هم نباشند، برآورد با خوشه‌بندی خطای استاندارد نسبت به متغیر «چهار رقم اول کد HS» نیز صورت گرفته است و در ستون (۲) جدول شماره (۵) آورده شده‌اند. ملاحظه می‌شود که علی‌رغم افزایش خطای استاندارد، معناداری آماری در سطح یک درصد حفظ می‌شود. با توجه به اثر قابل توجه خوشه‌بندی براساس کالاهای مشابه بر خطای استاندارد، سایر مدل‌های مطالعه نیز بدین روش برآورد خواهند شد.

ستون (۳) نتایج برآورد مدل پایه را با در نظر گرفتن اثرات ثابت کالاهای مشابه را نشان می‌دهد. در این حالت ضریب رگرسیون به  $4/47$  درصد کاهش یافته است که نشان می‌دهد بخشی از رابطه بین نرخ تعرفه و شکاف تجاری به ویژگی گروه‌های کالایی بستگی دارد. در برآورد سایر مدل‌های مطالعه نیز در برآوردهای حداقل مربعات، اثرات ثابت کالاهای مشابه در نظر گرفته می‌شود و در برآوردهای تفاضل مرتبه مرتبه اثرات ثابت کشور صادرکننده در نظر گرفته می‌شود.

ستون (۴) از جدول شماره (۵)، نتایج برآورد تفاضل مرتبه اول را نشان می‌دهد. با افزایش یک واحد درصد در نرخ تعرفه، شکاف تجاری به‌طور متوسط  $2/68$  درصد افزایش می‌یابد و این ضریب در سطح ۱ درصد، به‌طور معناداری از صفر بزرگ‌تر است. مقایسه ضرایب برآوردشده در ستون‌های (۲) و (۳) نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن اثرات ثابت کالاهای مشابه هم‌بستگی بین نرخ تعرفه و شکاف تجاری کاهش می‌یابد. البته نتایج برآورد تفاضل مرتبه اول برای تفسیر علی ضرایب برآوردشده، معتبرتر از نتایج برآورد حداقل مربعات معمولی بین ردیف‌های کالایی است. در نظر گرفتن اثرات ثابت کشورهای صادرکننده نیز اندازه ضریب رگرسیون را تغییر چندانی نمی‌دهد. معناداری آن در سطح یک درصد

همچنان برقرار است. قدرت توضیح‌دهندگی متغیر مستقل در برآورد حداقل مربعات به مراتب بیش از برآورد تفاضل مرتبه اول است و افزودن متغیر مجازی کالاهای مشابه (اثرات ثابت HS4) و کشور نیز موجب افزایش  $R^2$  می‌شود.

جدول ۵. نتایج مدل پایه<sup>۱</sup>

ب- برآورد تفاضل مرتبه اول		الف- برآورد حداقل مربعات			متغیرها
(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
0.0272***	0.0268***	0.0447***	0.0618***	0.0618***	ضریب نرخ تعرفه
(0.00393)	(0.00399)	(0.00491)	(0.00350)	(0.00131)	
0.6896***	1.565***	0.5311	-0.0226	-0.0226	ضریب ثابت
(0.1418)	(0.128)	(0.1599)	(0.132)	(0.0636)	
خیر	خیر	بله	خیر	خیر	اثرات ثابت HS4
بله	خیر	خیر	خیر	خیر	اثرات ثابت کشور
29,649	29,649	20,440	20,440	20,440	تعداد مشاهدات
2144	2144	4436	4436	4436	تعداد کدهای کالایی HS6
0.095	0.003	0.267	0.102	0.102	R-squared

به منظور بررسی وقوع کم‌نمایی در واردات از طریق گزارش یک کالا به عنوان کالایی مشابه با نرخ تعرفه پایین‌تر (تغییر عنوان)، مدل روابط (۶) و (۷) برآورد می‌شود. ستون‌های (۱) و (۴) جدول (۶)، به ترتیب برآورد حداقل مربعات و تفاضل مرتبه اول، ضریب متوسط نرخ تعرفه کالاهای مشابه (کالاهای با چهارم رقم اول مشابه کد HS) را «در حالت عدم حضور متغیر مستقل نرخ تعرفه» نشان می‌دهد. همان‌طور که انتظار می‌رود، در هر دو

۱- توضیحات: نتایج ستون‌های (۱) تا (۳) برای داده‌های تجاری ایران و ۱۰ صادرکننده اول به کشور در سال ۲۰۱۴ (رابطه ۳-۳) و نتایج ستون‌های (۴) و (۵) نتایج جدول برای داده‌های تجاری ایران و ۶ کشور صادرکننده اول به کشور در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴ (رابطه ۴-۲) برآورد شده‌اند. کدهای کالایی در ستون‌های (۱) تا (۳) بر اساس HS2012 و در ستون (۴) بر اساس HS2002 همگن شده‌اند. ارقام داخل پرانتز خطای استاندارد برآورد ضریب رگرسیون است. خطای استاندارد ستون (۱) پایدار است. در ستون‌های (۲) تا (۵)، خطای استاندارد بر اساس گروه‌های کالایی در یک صنعت (با چهار رقم اول مشابه کد HS) خوشه‌بندی شده‌است.

برآورد ضریب متغیر متوسط نرخ تعرفه کالاهای مشابه، به طور معناداری بزرگ‌تر از صفر است. با این تفسیر (در ستون ۱) که با افزایش متوسط نرخ تعرفه کالاهای مشابه (دارای چهارم رقم اول مشابه کد HS)، شکاف تجاری کالاهای آن صنعت به طور متوسط ۵/۹۴ درصد افزایش می‌یابد. در برآورد تفاضل مرتبه اول (ستون ۴) نیز اگرچه رابطه مثبت و معنادار تأیید می‌شود، اما برآورد ضریب متغیر به ۲/۴۸ درصد کاهش یافته است.

ستون‌های (۲) و (۵) جدول (۶)، به ترتیب نتایج برآورد روابط (۶) و (۷) را در حضور «هر دو متغیر مستقل» نشان می‌دهند. چنانچه ضرایب برآورد شده برای متغیر متوسط نرخ تعرفه کالاهای مشابه به طور معناداری کوچک‌تر از صفر باشد، کم‌نمایی در واردات از طریق تغییر عنوان رخ داده است. در روش حداقل مربعات، این ضریب مثبت و البته با فاصله معناداری از صفر برآورد شده است و عکس فرضیه مزبور را تأیید می‌کند، با این حال افزودن متغیر مجازی HS4، موجب افزایش قابل توجه خطای استاندارد و بی‌معنا شدن ضریب متغیر متوسط نرخ تعرفه می‌شود (ستون ۳). در روش تفاضل مرتبه اول نیز، ضریب مثبت و البته از لحاظ آماری بی‌معنی است. به عبارت دیگر، فرضیه وقوع کم‌نمایی از طریق تغییر عنوان در هیچ کدام از برآوردهای نشان داده شده در جدول شماره (۶) تأیید نمی‌شود.

جدول ۶. برآورد مدل با افزودن مستغیر مستقل متوسط نرخ تعرفه در صنعت<sup>۱</sup>

متغیرها	الف- برآورد حداقل مربعات			ب- برآورد تفاضل مرتبه اول		
	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)
نرخ تعرفه		0.0526***	0.0493***		0.0218***	0.0223***
		(0.00385)	(0.00783)		(0.00434)	(0.00426)
متوسط نرخ تعرفه کالاهای مشابه	0.0594***	0.0107***	0.0159	0.0248***	0.00772	0.00755
	(0.00366)	(0.00407)	(0.0180)	(0.0046)	(0.00514)	(0.00504)

۱- توضیحات: نتایج قسمت (الف) برای داده‌های تجاری ایران و ۱۰ صادرکننده اول به کشور در سال ۲۰۱۴ (رابطه ۳-۴) و نتایج قسمت (ب) جدول برای داده‌های تجاری ایران و ۶ کشور صادرکننده اول به کشور در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴ (رابطه ۳-۶) برآورد شده‌اند. کدهای کالایی در قسمت (الف) بر اساس HS2012 و در قسمت (ب) بر اساس HS2002 همگن شده‌اند. ارقام داخل پرانتز خطای استاندارد برآورد رگرسیون هستند. در همه برآوردها خطای استاندارد بر اساس گروه‌های کالایی در یک صنعت (با چهار رقم اول مشابه کد HS) خوشه‌بندی شده‌اند. متوسط نرخ تعرفه کالاهای مشابه برابر است با میانگین ساده نرخ تعرفه سایر کالاهای مشابه یک کالا.

متغیرها	الف- برآورد حداقل مربعات			ب- برآورد تفاضل مرتبه اول		
	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)
ضریب ثابت	0.0371 (0.137)	-0.0750 (0.139)	-0.140 (0.807)	1.626*** (0.148)	1.478*** (0.156)	0.604*** (0.168)
اثرات ثابت HS4	خیر	خیر	بله	خیر	خیر	خیر
اثرات ثابت کشور	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	بله
تعداد مشاهدات	20,440	20,440	20,440	29,649	29,649	29,649
R-squared	0.088	0.267	0.267	0.002	0.003	0.038
تعداد کدهای کالایی	4,311	4,311	4,311	2144	2144	2144

## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

### الف) نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در راستای ارائه روشی کاربردی برای برآورد قاچاق در اقتصاد ایران، روش معرفی شده توسط جاگدیش باگواتی یعنی شکاف تجاری بین صادرات سایر کشورها به ایران و واردات ایران از سایر کشورها به رشته تحریر درآمده بود. با استفاده از این روش که حد پایین قاچاق وقوع یافته در کشور را برآورد می‌کند، میزان قاچاق واردات کالا برای اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۴، بالغ بر ۱۸/۶ میلیارد دلار بوده است. در استفاده از روش باگواتی اشاره شد که استفاده از ارقام کلان تجارت بین کشورها، برآورد نادرستی به دست خواهد داد و لازم است شکاف تجاری ابتدا برای تک تک کالاها در جزئی‌ترین سطح ممکن برآورد شود و سپس برآیند شکاف‌های تجاری مثبت و منفی به‌عنوان تخمینی از حجم قاچاق گزارش شود. در این پژوهش این کار برای کالاها در سطح کدهای اچ‌اس شش‌رقمی انجام شد.

سؤال مهم دیگری که در این پژوهش به آن پاسخ داده شد این بود که با توجه به اهمیت بالای تعرفه بر واردات به‌عنوان اصلی‌ترین ابزار اعمال سیاست‌های تجاری دولت، کشش



حجم قاچاق نسبت به نرخ تعرفه برای اقتصاد ایران چه میزان است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که متوسط نرخ تعرفه واردات کالاها در کشور به‌گونه‌ای است که انگیزه کم‌نمایی در واردات و قاچاق را تقویت می‌کند. طبق نتایج نشان داده شده، هر یک درصد افزایش متوسط نرخ تعرفه، به‌طور متوسط بین ۳ تا ۶ درصد (برآورد در حالت‌های مختلف) حجم قاچاق را افزایش می‌دهد. برای مثال در سال ۱۳۹۳ که شکاف تجاری کل حدود ۱۹ میلیارد دلار است، هر یک درصد افزایش نرخ تعرفه می‌تواند این شکاف را بین ۵۷۰ تا ۱۱۰۰ میلیون دلار افزایش دهد. از طرفی با توجه به اینکه میانگین وزنی نرخ تعرفه واردات کالا در سال ۱۳۹۳، حدود ۱۷/۵ درصد بوده‌است، درآمد از دست‌رفته دولت از بابت فرار واردکنندگان متخلف از پرداخت مالیات بر واردات بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار بابت افزایش هر یک درصد متوسط نرخ تعرفه برآورد می‌شود. این در شرایطی است که همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، روش برآورد قاچاق واردات در این مطالعه، نمی‌تواند همه قاچاق وقوع یافته را پوشش دهد و لذا ارقام فوق کمینه حجم قاچاق و درآمد از دست‌رفته دولت هستند. بنابراین چنانچه هدف اصلی اخذ مالیات بر واردات را یک سیاست تجاری در حمایت از تولید داخلی و هدف ثانویه آن را افزایش درآمدهای دولت بدانیم، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سیاست مزبور نتوانسته است هیچ کدام از اهداف سیاست‌گذار را محقق کند.

از طرف دیگر در برآورد تفاضل مرتبه اول بر روی داده‌های سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴، ملاحظه می‌شود که با افزایش یک واحد درصدی نرخ تعرفه واردات، شکاف تجاری به میزان ۲/۷ درصد افزایش می‌یابد. این ضریب به مراتب کوچک‌تر از ضریب برآورد حداقل مربعات است و می‌تواند مؤید این موضوع باشد که بخشی از رابطه تخمین‌زده‌شده در آن روش، به دلیل عوامل دیگر مرتبط با ویژگی‌های ثابت کالاها در طول زمان، بوده است. سایر تصریح‌های مدل و در نظر گرفتن اثرات ثابت کشورهای طرف تجاری، تغییر معناداری در نتایج تفاضل مرتبه اول ایجاد نمی‌کند.

نتایج مطالعه نمی‌تواند فرضیه وقوع کم‌نمایی در واردات را به روش «تغییر در عنوان کالا به کالای مشابه با نرخ تعرفه کمتر» را در برآورد حداقل مربعات و چه در تفاضل مرتبه

اول تأیید کند. به خصوص این که در برخی مواقع ضریب متغیر متوسط نرخ تعرفه مثبت و از لحاظ آماری معنادار برآورد شد که برخلاف فرض کم‌نمایی از طریق تغییر عنوان است. بررسی رابطه بین نرخ تعرفه و شکاف تجاری در مقدار نشان می‌دهد که کم‌نمایی در واردات از طریق کم‌نمایی در مقدار، به وضوح در واردات ایران رخ داده است. البته کمتر بودن ضریب برآورد شده در این حالت، نسبت به ضریب رگرسیون شکاف تجاری ارزش، حکایت از وقوع کم‌نمایی در واردات از طریق کم‌نمایی در ارزش واحد (قیمت) کالاها نیز دارد. بنابراین می‌توان اذعان داشت که کم‌نمایی در واردات در ایران، عموماً از طریق کم‌نمایی در مقدار و ارزش واحد کالاها رخ می‌دهد و سهم تغییر عنوان به کالاهای مشابه با نرخ تعرفه کمتر در آن کمتر است.

نتایج مطالعه همچنین نشان داد که اگرچه وجود نرخ‌های تعرفه نسبتاً بالا، نقش قابل توجهی در ایجاد انگیزه در آحاد اقتصادی برای مبادرت ورزیدن به قاچاق دارد، اما عوامل «انگیزشی» و «تشدیدکننده» دیگری نیز وجود دارند که نمی‌توان از آن‌ها به عنوان عوامل تأثیرگذار بر قاچاق کالا در اقتصاد ایران چشم‌پوشی کرد. از مهم‌ترین عوامل انگیزشی در کنار نرخ تعرفه بالای واردات می‌توان به تشریفات گمرکی متعدد و پراکنده واردات و در نتیجه طولانی شدن فرآیند واردات اشاره کرد. از جمله عوامل انگیزشی مهم نیز می‌توان به وجود مبادی متعدد غیررسمی واردات کالا به کشور، ضعف گمرکات در رصد دقیق محموله‌های وارداتی، وجود آیین‌نامه‌ها و مقررات متعدد برای مناطق مرزی که به قاچاق رسمیت می‌بخشند و در نهایت پایین بودن ریسک قاچاق از هر دو حیث احتمال شناسایی و مجازات تعیین شده برای آن اشاره کرد.

### **(ب) پیشنهاد**

با توجه به شناسایی عوامل اصلی پدیدآورنده و مؤثر بر قاچاق در این بخش راهکارهایی عملی و راهبردی به منظور مقابله با این پدیده اقتصادی و اجتماعی ارائه می‌گردد. نتایج مطالعه نشان می‌دهند که پدیده قاچاق را نباید صرفاً یک تخلف اقتصادی انگاشت و با توجه به عمق اثرگذاری این پدیده در سایر حوزه‌ها اعم از اجتماعی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی لازم است تمام قوای کشور در مقابله با این پدیده بسیج شوند. در غیر این صورت،

با توجه به پیچیدگی‌های موضوع از حیث فنی و البته اقتصاد سیاسی، راهکارهای ارائه‌شده به‌صورت جزیره‌ای قابل پیاده‌سازی و در نتیجه اثربخش نخواهند بود. راهکارهای مقابله با قاچاق با دو رویکرد «از بین بردن یا کاهش انگیزه‌های اقتصادی» و «از بین بردن عوامل تسهیل‌کننده و تشدیدکننده» وقوع قاچاق ارائه می‌شوند.

#### الف) راهکارهای کاهش انگیزه‌های اقتصادی وقوع قاچاق

- اتخاذ رویکردی پویا در وضع نرخ تعرفه واردات: نرخ تعرفه بالا در بلندمدت موجب از بین رفتن انگیزه رقابت در تولیدکنندگان داخلی و در نتیجه افزایش قیمت و کاهش کیفیت محصولات آنان می‌شود. سیاست‌های حمایتی تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای دولت باید برای مدت زمان مشخص و مشروط بر رعایت برخی الزامات از سوی تولیدکنندگان داخلی باشد.

- بهینه‌سازی فرایندهای واردات کالا و حذف تشریفات غیرضروری: مطالعه نشان می‌دهد که حتی در مورد برخی کالاها که نرخ تعرفه واردات بالایی ندارند نیز قاچاق رخ داده است. در این موارد انگیزه اصلی اقتصادی دور زدن تشریفات گمرکی و الزامات قانونی است. اگرچه به دلایل متعدد وجود این تشریفات و نظارت‌ها ضروری است، اما سازمان‌های اجرایی مسئول می‌توانند با پایش مداوم و گرفتن بازخورد از فعالان اقتصادی، استفاده از تجربیات بین‌المللی و فناوری‌های نوین، تلاش کنند خود را چابک سازند.

#### ب) راهکارهای کاهش عوامل تسهیل و تشدیدکننده

- افزایش سطح و عمق نظارت بر واردات کالا.  
 - تجهیز همه گمرکات مرزی و شریان‌های اصلی حمل‌ونقل کشور به سامانه‌های پیشرفته محموله‌های کالا هم‌چون دستگاه‌های ایکس-ری سرعت بالا به تعداد کافی.  
 - پایش مداوم و شناسایی دقیق مبادی غیررسمی واردات کشور و استفاده از ظرفیت نیروهای مسلح در بستن آن. منابع لازم برای جبران خدمات این نیروهای دولت از محل منافع ایجاد شده در اثر عدم وقوع قاچاق تأمین شود.

- استفاده از زیرساخت‌های فناوری اطلاعات در رصد چند مرحله‌ای محموله‌های وارداتی

استفاده از ظرفیت نیروهای مسلح و به طور خاص نیروی انتظامی در کنترل محموله‌های وارداتی و ترانزیتی پس از ورود به داخل کشور.

### ج) تشدید برخورد با قاچاقچیان

تشدید برخورد با امر قاچاق، به‌منزله افزایش ریسک و در نتیجه کاهش بازده مورد انتظار آن می‌شود. این امر نقش بسزایی در کاهش انگیزه برای مبادرت به قاچاق دارد. در این راستا اقدامات زیر ضروری است:

- اجرای بدون اغماض مجازات‌های در نظر گرفته شده در قوانین موجود، به‌خصوص در مورد قاچاق‌های سازمان‌یافته و در مقیاس کلان.
- اصلاح قوانین موجود به‌منظور تشدید مجازات‌های در نظر گرفته شده در قانون برای قاچاق به‌عنوان پدیده‌ای که صرفاً یک تخلف اقتصادی نیست و تبعات امنیتی و اجتماعی متعددی نیز دارد.

## منابع و مأخذ

### الف) منابع فارسی

- پژوهیان، جمشید؛ مداح، مجید (۱۳۸۵). «بررسی اقتصادی قاچاق در ایران»، پژوهشنامه اقتصادی، سال اول، شماره ششم، صص ۷۰-۴۳.
- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸). ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.
- خلعتبری، فیروزه (۱۳۶۹). «اقتصاد زیرزمینی»، مجله رونق، شماره ۱.
- سیف، ا... مراد (۱۳۸۷). قاچاق کالا در ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- گمرک جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳). بررسی قاچاق کالا و ارائه راهکارها با تاکید بر نقش گمرک، تهران: گمرک جمهوری اسلامی ایران.
- مداح، مجید؛ نعمت‌اللهی، سمیه (۱۳۹۲). «نرخ تعرفه و فرار مالیاتی در واردات ایران از شرکای مهم تجاری: در سطح داده‌های ۶ رقیمی، بر مبنای الگوی داده‌های تلفیقی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال سوم، شماره ۱۳، صص ۱۴۲-۱۲۵.
- یاوری، کاظم (۱۳۷۸). تئوری تخمین قاچاق و گران‌نمایی واردات، تهران: پژوهشکده اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس.

### ب) منابع انگلیسی

- Bhagwati, J. (1967). Fiscal Policies, The Fajing of Foreign Trade Declarations, and the Balance of Payments1. Bulletin of the Oxford University Institute of Economics & Statistics, 29(1), 61-77.
- Bhagwati, J., & Hansen, B. (1973). A theoretical analysis of smuggling. The Quarterly Journal of Economics, 172-187.
- Bhagwati, J. N. (1981). Alternative theories of illegal trade: Economic consequences and statistical detection. Weltwirtschaftliches Archiv, 117(3), 409-427.
- Farzanegan, M. R. (2009). Illegal trade in the Iranian economy: Evidence from a structural model. European Journal of Political Economy, 25(4), 489-507.
- Fisman, R., & Wei, S. J. (2004). Tax rates and tax evasion: Evidence from "missing imports" in China. Journal of political Economy, 112(2), 471.

- Fisman, R., & Wei, S. J. (2007). The smuggling of art, and the art of smuggling: Uncovering the illicit trade in cultural property and antiques (No. w13446). National Bureau of Economic Research.
- Rauch, J. E. (1999). Networks versus markets in international trade. *Journal of international Economics*, 48(1), 7-35.
- Wooldridge, J. M. (2013). *Introductory Econometrics: A Modern Approach*.
- Yitzhaki, S. (1974). Income tax evasion: A theoretical analysis. *Journal of public economics*, 3(2), 201-202.